

Hermeneutical Situation Creators in the Domain of Nationalism in the Cultural Policy Making of the Islamic Republic of Iran

Hosein Parkan *
Arezoo nikueian **

Received: 2018/11/23
Accepted: 2019/02/24

Although nationalism is honored alongside the Islamic unity in the upstream documents of the government, in practice this concept has not been streamed in the next layers and has resulted in uncertainties and , therefore, has harassed cultural and public policy makers in this area, knowingly or unknowingly.

Policymakers create a hermeneutic situation for themselves as a result of every stance they take, and their a posteriori understanding is under the impact of their a priori one. These are hermeneutic situation creators some of which have key roles in giving rise to a chain of hermeneutic situations in the domain of nationalism.

In this research, by using the thematic analysis method, and also by using the ISM method the key hermeneutical situation creators are identified and explained. In the end, the most important hermeneutical challenges in the domain of nationalism based on hermeneutical situation creator relationships in the nationalism domain, have been analyzed.

Keywords: Hermeneutical Situation Creators, Cultural Policymaking, Nationalism.

* Ph.D. of Cultural Policy Making of Baqir al-Olum University hparkan@yahoo.com

** M.A. of Tabligh and Cultural communication of Baqir al-Olum University m.nikueian@yahoo.com

موقعیت‌سازهای ملی گرایانه هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

حسین پرکان*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۲

آرزو نیکوئیان**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵

چکیده

علی‌رغم این‌که در اسناد بالادستی نظام، ملی‌گرایی در کنار وحدت اسلامی ارج نهاده شده است، لیکن در عمل به دلیل این‌که این مفهوم در لایه‌های بعدی، جاری و ساری نشده، امواج بلا تکلیفی‌ها، سیاست‌گذاران فرهنگی و عمومی را در این حوزه، آگاهانه یا ناآگاهانه رنج می‌دهد.

سیاست‌گذار با هر اتخاذ موضع، یک موقعیت هرمنوتیکی را برای خود ایجاد می‌کند و ادراک پسین وی تحت تأثیر گزینش پیشین است. این‌گونه موقعیت‌ها موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی هستند که بعضی از آن کلیدی است و با هر گزینش، سریالی از موقعیت‌های هرمنوتیکی در حیطه ملی‌گرایی بوجود خواهد آمد.

در این پژوهش با بهره‌گیری از استراتژی «تحلیل مضمون»، «ISM» و «پارتو»، رویارویی‌ها در حیطه ملی‌گرایی استخراج و طی ۱۱ مرحله موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی مشتعل بر: «میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر» و «جهان‌شمول‌گرایی فرهنگی یا درون‌گرایی فرهنگی» تعیین و تبیین شده است. در خاتمه اصلی‌ترین مسائل هرمنوتیکی در قلمرو ملی‌گرایی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، سیاست‌گذاری فرهنگی، ملی‌گرایی.

مقدمه

رویاری‌ها در قلمرو ملی‌گرایی چالش‌هایی متکثر به منظور برگزینی و اتخاذ موقعیت سیاست‌گذار است. موقعیت‌هایی که به وسیله آن وقایع و حوادث در قلمرو ملی‌گرایی تحلیل می‌شود و به سبب موجودیت موقعیت‌های تقابلی و کلافگی و تحیر جوامع و فرهنگ‌ها، سیاست‌گذاران با طیف‌های وسیعی از دوگانه‌ها مواجه هستند که پیشران این امور، شفافیت و انسجام در تعیین مواضع است.

فرایند سیاست‌گذاری مستلزم انتخاب‌های واضح و شفاف است. این شفافیت، عمدتاً مشکلاتی در بر دارد، لیکن از توجه به این‌که روش مناسب و درخور فعلی چیست و به کدامین جنبه از موقعیت تقابلی متمایل است، نباید واهمه‌ای داشت (Matarasso and Landry, 1999, p10). امید است این پژوهش، کمکی برای سیاست‌گذار فرهنگی در قلمرو ملی‌گرایی در جهت اتخاذ مواضع آشکارتر و تشخیص موقعیت‌های هرمنوتیکی باشد.

۱. تبیین مسئله و ضرورت پژوهش

موقعیت هرمنوتیکی سیاست‌گذار مشتمل بر سوگیری‌ها، جهان ذهنی، دانسته‌های قبلی، کرانه دید، تعلقات، چشم‌داشت‌ها و مواردی از این قبیل است که همواره متغیر و موجد زاویه نگاه، قید در مشاهده و چگونگی نظاره کردن برای سیاست‌گذار است. در واقع نه تنها اساس فهم را امکان‌پذیر می‌نماید بلکه ادراک را دچار تحدید و تضییق می‌کند (واعظی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸).

مهم‌ترین علت ایجاد هر موقعیت هرمنوتیکی، موقعیت هرمنوتیکی سابق فرد است. این واکنش، مدام و مسلسل‌وار است. در حقیقت، هر موقعیت هرمنوتیکی، موقعیت‌ساز هرمنوتیکی نیز هست. بنابر این در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی، جدای از مدل مورد استفاده، ضروری است به وجود موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی که در ورای هر سیاست اتخاذ شده که شاکله‌انگاره‌ها و فرض‌های قبلی و کثیری از دارایی‌های سیاست‌گذار است، التفات شود. در حقیقت هر سیاست‌گذار قبلاً با وقوف یا بدون وقوف نسبت به بعضی از موارد کلیدی موضع‌گیری نموده که هر کدام، یک موقعیت هرمنوتیکی را از

بهر سیاست‌گذار به همراه داشته است.

در صورتی که یک موقعیت‌ساز هرمنوتیکی، کلیدی باشد، هر تصمیم سیاست‌گذار نسبت به این موقعیت‌ساز، موجد سلسله‌ای از موقعیت‌های هرمنوتیکی خواهد بود. چنانچه سایر موارد، منتخب سیاست‌گذار باشد، موجد سلسله‌ای دیگر از موقعیت‌های هرمنوتیکی خواهد بود. ارج این موضوع در این است که فقدان شفافیت و صراحت در مواضع سیاست‌گذار در خصوص موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی، موجد نابسامانی وسیع است.

توجه به این مطلب ضروری است که این پژوهش، ملتفت به قلمرو ویژه‌ای از موقعیت هرمنوتیکی است که آن، چیزی غیر از «موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در قلمرو ملی‌گرایی» نیست.

انفتاح افق‌های برازنده هر موقعیت‌ساز، نتیجه‌ای جز تحدید در ادراک دیگر افق‌های محاذی در بر ندارد. این امر، احتمالاً اهم اسباب ظهور فرقه‌ها، اصناف و حزب‌های مختلف باشد که به طور کلی با فهم سقیم از همدیگر مواجه هستند.

زوال معرفت برازنده موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در کنار جهت‌گیری مبهم و ناهمخوان در خصوص آن‌ها است. تهدیداتی چون، تفرق در فازهای گوناگون سیاست‌گذاری، اشتراک‌گرایی به جای اولویت‌گرایی، لغزش در تمییز اسباب اساسی و صحیح رویارویی‌ها و چالش‌ها، ناهمخوانی و فقدان برزندگی در سیاست‌گذاری ملی‌گرایی.

سیاست‌گذاری در قلمرو ملی‌گرایی، حیطة‌ای وقت‌گیر و دیربازده است. علاوه بر این‌که مسئله‌ها، متدرجاً هویدا می‌شوند، راه‌حل‌ها نیز در بلندمدت به سرانجام می‌رسد. از این‌رو اندک‌ترین اشتباه در فازهای مختلف سیاست‌گذاری، مخارج فراوانی را از نظر مادی و معنوی برای مردم به همراه خواهد داشت. بنابراین، توجه به همه ابعاد مسئله در سیاست‌گذاری، ضروری است.

۲. سابقه پژوهش

آسیب‌ها و کشمکش‌هایی که سیاست‌گذار فرهنگی در قلمرو ملی‌گرایی با آن مواجه است، پیوسته مورد اهتمام پژوهشگران بوده است. مهم‌ترین مباحثی که مورد اعتنای

پژوهشگران بوده است عبارتند از:

۱. میراث فرهنگی و فرهنگ معاصر: بیست و یک دو راهی راهبردی در سیاست‌گذاری فرهنگی (Matarasso and Landry, 1999) که به دوراهی میراث فرهنگی و فرهنگ معاصر نیز پرداخته است.
 ۲. هویت قومی یا هویت ملی: آثاری همچون کتاب هویت ملی (Smith, 1992)، کتاب ملی‌گرایی (Grosby, 2005)، کتاب ملی‌گرایی و مدرنیسم (Smith, 1998)، کتاب ملی‌گرایی (KEDOURiE, 1960)، کتاب صد و یک پرسش از فرهنگ (فکوهی، ۱۳۹۴) و کتاب هویت (کچوئیان، ۱۳۹۰).
 ۳. وحدت اسلامی: آثاری همچون مقاله «تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، (شهرام‌نیا، ۱۳۹۲).
 ۴. مناسبات اقوام و مذاهب: آثاری همچون مقاله مناسبات اقوام و مذاهب در جمهوری اسلامی ایران (مولایی، ۱۳۹۷).
 ۵. جهان‌شمول‌گرایی فرهنگی: آثار همچون کتاب صد و یک پرسش از فرهنگ (فکوهی، ۱۳۹۴).
 ۶. فرهنگ بومی و فرهنگ غیربومی: آثاری همچون کتاب تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات، (فیاض، ۱۳۸۹).
- در بسیاری از آثار موجود در این ابعاد، نمی‌توان شاهد گرایش سیاست‌گذارانه و هرمنوتیکی بود. همچنین پرداختن به یک یا چند مسئله ویژه و فقدان رویکرد جامع‌نگر در خصوص مسئله‌ها و مناسبات و تفوق آن‌ها را نمی‌توان در این آثار دید. در پایان، لازم به ذکر است که در این پژوهش‌ها مداخل احکام و سرگشتگی‌های سیاست‌گذاران در فازهای سیاست‌گذاری قلمرو ملی‌گرایی، نامشخص و نامبیین است.
- بنابراین، بازشناسی، استخراج کامل و طبقه‌بندی موقعیت‌های تقابلی و نیز تمییز و تشریح کلیدی‌ترین موقعیت‌های تقابلی سیاست‌گذاری فرهنگی در قلمرو ملی‌گرایی از جوانب بکر و جدید این تحقیق است.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

در این مقال، مجال پرداختن به همه جوانب سیاست‌گذاری فرهنگی، به دلیل گستردگی مباحث نیست. لذا در تبیین معانی «سیاست‌گذاری فرهنگی»، «موقعیت هرمنوتیکی»، «موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی»، «موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی» و «ملی‌گرایی» گریزی جز مسیر اختصار نیست.

۳-۱. سیاست‌گذاری فرهنگی

مراد از فرهنگ در این پژوهش چیزی نیست جز آنچه که به رویارویی با امور مادی، فناوریانه و برخوردار از ساختار اجتماعی متمایل است و نه تنها به منزله گستره امور فکری، معنوی و غیرمادی تلقی می‌شود بلکه به مثابه قلمرو سازمان‌یافته باورها، ارزش‌ها، نمادها، نشانه‌ها و گفتمان‌ها فهمیده می‌شود.

«استقلال فرهنگ» مورد تأکید این تحقیق است و فرهنگ را صرفاً انعکاس نیروهای زیربنایی اقتصادی، توزیع قدرت، یا نیازهای ساختاری اجتماعی توصیف نمی‌کند یا چنین توضیحی از فرهنگ را کافی نمی‌داند.

همچنین خشتی و بی‌طرف نگه داشتن فرهنگ از نظر ارزشی، محل تلاش این مقاله بوده است (نک. اسمیت، ۱۳۸۳، صص ۱۵-۱۷).

مفهوم «سیاست» در این مقاله برگرفته از تعاریفی است که شافریتز و بریک (۱۳۹۰، ص ۴۲)، کوچران و ملون (Cochran and Malone, 2005, pp5-6) و دای (Dye, 2013, p3) ارائه کرده‌اند که عبارت است از واکاوی چگونگی ورود یا عدم ورود دولت در قلمرو ملی‌گرایی و نیز واکاوی اندازه و شیوه حضور در آن.

الگوهای فراوانی در سیاست‌گذاری از سوی صاحب‌نظران پیشنهاد شده است که بکارگیری هر یک، چالش‌ها و رویارویی‌هایی را در پی دارد. تعدادی از این الگوها که در دستیابی به موقعیت‌های تقابلی استعمال شده عبارتند از: الگوهای تغییرات جزئی تدریجی، واکاوی تلفیقی (هاولت، رامش و پرل، ۱۳۹۴، صص ۲۶۳-۲۷۳)، رضایت‌بخش (الوانی و شریف‌زاده، صص ۳۹-۴۱)، عقلانی، گروهی، فرایندی، بازی، انتخاب عمومی، مدل نهادی (Dye, pp 12-28)، سیستمی (a Shafritz orickB, 2008, p15)

بازار و دولتی (مک گوئیگان، ۱۳۸۸ و فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲، صص ۲۰۷-۲۵۷)، نخبه‌گرا (پارسونز، ۱۳۸۵، صص ۷۰ و بنیانیان، ۱۳۸۶، صص ۱۲۴-۱۲۵)، واقع‌گرا (Mayers and Bass, 2004, p35)، ماتریسی، کلان‌نگر و خردنگر (حاجیان، صص ۵۷، ۶۰-۶۲ و ۱۳۸)، راهبردی یا مدیریت استراتژیک فرهنگی (طبرسا، ۱۳۸۲، صص ۹۵)، آرمانشهرگرا یا آرمان‌گرا (خاشعی، ۱۳۹۰، صص ۴۰)، توسعه‌گرا (بهادری، ۱۳۷۶، صص ۲۳)، شریعتمدارانه (کاوسی و چاوش‌باشی، ۱۳۸۹، صص ۲۲۸-۲۲۵)، ذهن‌گرا (اشتریان، ۱۳۹۱، صص ۶۵)، وحدت در کثرت (صالحی امیری و حیدری‌زاده، صص ۱۲۸-۱۳۱)، تکثر و حقوق فرهنگی (پهلوان، ۱۳۹۰، صص ۱۳۹-۲۰۷) و اقتدارگرا، دموکراتیک و جامعه‌گرایانه (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۲، صص ۵۱-۶۹).

۲-۳. هرمنوتیک و بازتاب آن در سیاست‌گذاری فرهنگی

پل ریکور هرمنوتیک را نظریه عمل فهم در روند روابطش با تفسیر متون می‌داند (واعظی، ۱۳۹۳، صص ۲۸-۲۹). با التفات به این‌که تعاریف زیادی در گروه‌بندی‌های مختلف از هرمنوتیک ارائه شده (Palmer, 2000, p33) به دلیل این‌که ریکور تنها به مطلق فهم توجه نکرده و آن را به قلمرو عملیات فهم کشانده و روند روابط فهم با تفسیر متون را کانون تعریف نهاده، این تعریف به عنوان تعریف هرمنوتیک انتخاب شده است. در حقیقت موضوعات فلسفی فهم و شیوه‌ها و قواعد تفسیر متن از دستور کار این مقاله خارج است و آنچه فرایند فهم سیاست‌گذار را متأثر کرده و روندهایی را در تفسیر فرهنگ به عنوان متن شکل می‌دهد، موضوع آن است.

بسطی که در این تعریف به مفهوم متن داده شده، منتج به توسعه بیشتر حیطه هرمنوتیک می‌شود. از این رو ارتباط هرمنوتیک با سیاست‌گذاری فرهنگی هم در پهنه گسترده‌ای صورت می‌پذیرد.

طی کردن هر گام از چرخه سیاست‌گذاری، نیازمند امر ترجمه یا تفسیر است که این مهم، جزو مباحث هرمنوتیک قرار دارد. ریکور (۱۳۹۳) در رابطه با ترجمه و آسیب‌های آن نیز، مباحث و نکات قابل توجهی را گوشزد کرده که غفلت از آن، انحراف و سرگشتگی را به همراه خواهد داشت. بنابراین اساس برخی از آسیب‌ها و

مشکلات سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان در حیطه هرمنوتیک یافت.

۳-۳. موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی

معنای عام موقعیت هرمنوتیکی حاوی زنجیره‌هایی از افکار، احساسات و تجارب خودآگاهانه یا ناآگاهانه است که حیات ذهنی انسان را بوجود می‌آورند (سرل، ۱۳۸۲، ص ۱۶). اصطلاح موقعیت هرمنوتیکی، از گادامر (۲۰۰۴) عاریت گرفته شده است؛ با این تفاوت که بستر مورد استفاده گادامر برای موقعیت هرمنوتیکی، شامل تمامی صور فهم است، لیکن استعمال آن در این پژوهش، به سیاست‌گذاری فرهنگی محدود شده و بر اساس فهم فرهنگی است. در واقع این فهم متأثر از موقعیت‌هایی در رتبه سابق است که خود آن‌ها موقعیت‌ساز هرمنوتیکی هستند. بر این اساس، اصطلاح «موقعیت‌ساز هرمنوتیکی» قابل جعل است. در حقیقت «موقعیت‌ساز هرمنوتیکی»، گزینش‌گاهی است که هر انتخاب یا عدم انتخاب، مفسر را در موقعیت‌های تازه‌ای می‌نهد؛ اعم از این‌که مفسر در این گزینش یا عدم گزینش، معرفت داشته باشد یا نداشته باشد.

موقعیت‌ساز هرمنوتیکی به پیوستاری گفته می‌شود که پر اهمیت و وابسته به معرفت است و موضع‌گیری و جانبداری و نوع بینش در خصوص آن‌ها، امکان اثرگذاری در ادراک‌ها و تفاسیر را فراهم می‌کند. در واقع موقعیت‌ساز هرمنوتیکی شامل هرآنچه که موجب موقعیت‌های هرمنوتیکی است، می‌شود.

برای تعیین کلیدی بودن یا نبودن هر موقعیت‌ساز هرمنوتیکی، در کنار شاخص «عمق اثرگذاری»، شاخص «گستره اثرگذاری» نیز حائز اهمیت است. چرا که حیطه بررسی این پژوهش، حیطه سیاست‌گذاری و ناظر به میدان است و ممکن است موقعیت‌سازی، عمق اثرگذاری چندانی نداشته باشد، لیکن گستره اثرگذاری آن زیاد باشد. این رخداد، وقتی از زاویه سیاست‌گذاری واکاوی می‌شود، با توجه به این‌که جنس خود سیاست‌گذاری نیز ناظر به «عموم» است و گستره و فراگیر بودن یک مسئله، مهم‌ترین شاخصی است که آن را وارد این حیطه می‌نماید، بنابراین، شاخص «گستره اثرگذاری» نیز مبنای انتخاب یک موقعیت‌ساز هرمنوتیکی به عنوان یک عنصر کلیدی می‌تواند باشد. مبتنی بر این توضیح می‌توان گفت موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی،

عاملی است که افزون‌ترین اثر را در بروز سرگشتگی و دودلی در سیاست‌گذاری فرهنگی (چه به لحاظ عمق و چه به لحاظ گستره) دارد. در واقع چنانچه در گزینش میان چند موقعیت‌ساز به عنوان موقعیت‌ساز اصلی‌تر، سرگشتگی حاصل شد، موقعیت‌سازی اولی است که هم مسبب ایجاد موقعیت‌های هرمنوتیکی فزون‌تری باشد و هم با استیلا بر آن، امکان اداره تقابلی‌های افزون‌تری فراهم آید.

۳-۴. ملی‌گرایی

مفهوم «ملی‌گرایی»، مفهومی است که در فرهنگ‌های اروپایی در قرن ۱۹ بازتعریف شده است (Kedourie, 1960, p1). اصطلاح «ملی‌گرایی»، به انحاء مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. این می‌تواند بیانگر موارد زیر باشد (Smith, 1992, p72):

۱. کل فرآیند تشکیل و حفظ ملت‌ها و یا دولت‌های ملی
۲. هوشیاری متعلق به ملت، همراه با احساسات و آرزوها برای امنیت و رفاه خویش
۳. یک زبان و نمادگرایی «ملت» و نقش آن
۴. یک ایدئولوژی که شامل یک دکتترین فرهنگی ملل و دستورالعمل‌هایی برای تحقق آرمان‌های ملی است
۵. جنبش اجتماعی و سیاسی برای رسیدن به اهداف ملت و تحقق اراده ملی خویش.

خیالی پنداشتن «هویت ملی» تا حد زیادی با واقعیت تاریخی انطباق داشته است لیکن این «انگاره» انگاره‌ای است که بر اساس فرایندهای واقعی «تولید فرهنگی» به وجود می‌آید. هویت‌های ملی و مفاهیم بیرون آمده از آن‌ها برغم برون آمدن و برساختگی‌شان از چارچوب‌های خیالین، در نهایت فرایندهای فرهنگی هستند لیکن این نکته نهایی را نیز می‌توان اضافه کرد که این فرایندها بسیار انعطاف‌آمیز هستند و خاصیتی تداخل‌یابنده با یکدیگر و با دیگر هویت‌ها و قابل مبدل شدن به یکدیگر را دارند (فکوهی، ۱۳۹۴، صص ۸۱-۸۴).

۲. روش تحقیق

انجام این پژوهش، با شیوه تحلیل مضمون بوده است. چارچوب فکری این پژوهش، تفسیری، سوگیری آن نظری، رویکرد آن استقرایی، نوع آن کیفی و گونه آن کتابخانه‌ای و میدانی است. در ضمن، برداشت داده‌ها با استعمال مصاحبه، مشاهده میدانی و واکاوی مستندات و مدارک صورت گرفته است.

در ابتدا رویارویی‌ها در قلمرو ملی‌گرایی بر اساس اسناد بالادستی فرهنگی (شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، سند اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های مختلف ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری همچون خانواده، فناوری اطلاعات، جمعیت و ...، برنامه‌های اول تا ششم توسعه و غیره)، ۲۱ دوره‌ی سیاست فرهنگی شورای اروپا، سوگیری‌ها، فرمایشات و اظهار نظرهای مدیران، نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران، طرح‌ها و سوگیری‌های اجرایی، مدل‌های سیاست‌گذاری و گفتمان‌های سیاست‌گذاری فرهنگی (که عناوین آن در بخش سیاست‌گذاری فرهنگی ذکر شد)، شناسایی و احصاء شده، سپس با استعمال شیوه (Interpretive Structural Modelling) ISM مبادرت به واکاوی نظام ارتباطی رویارویی‌ها و نیز دسته‌بندی آن‌ها صورت گرفته است. همچنین، محقق تا حد «کفایت داده» جلو رفته است. طوری که از زاویه سیاست‌گذاری، رویارویی تازه و با اهمیتی در بررسی‌های پایانی تحصیل نشده است.

تحلیل مضمون، شیوه‌ای به منظور بازشناسی، تحلیل و شرح الگوهای است که در داده‌های کیفی وجود دارد. این شیوه، داده‌های متشتت و مختلف را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌نماید (Braun and Clarke, 2006, p 82).

تحلیل مضمون روشی است به منظور مشاهده متن؛ دریافت و فهم درخور از داده‌هایی که به حسب ظاهر بی‌ارتباط هستند؛ تحلیل اطلاعات کیفی؛ رؤیت نظام‌مند فرد، رابطه، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis, 1998).

روش‌های استقرایی و قیاسی هر کدام امکان بازشناسی مضامین یا الگوهای است که در داده‌ها وجود دارد را فراهم می‌آورد (خنیفیر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۵۸). در اینجا روش

استقرایی مستفاد این تحقیق بوده است. در راهبرد استقرایی، بر پژوهشگر فرض است که متوجه آلوده نشدن بینش خود با اندیشه‌های از قبل تصور شده باشد (Medawar, 2013, p40). در اینجا، با التفات به اثرگذاری موقعیت تقابلی در سیاست‌گذاری فرهنگی، حسب اثر مضمون در تحلیل (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹) چهار گونه مضمون شامل: «موقعیت تقابلی»، «موقعیت پایه هرمنوتیکی»، «موقعیت ساز کلیدی هرمنوتیکی» و «حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی» استعمال شده است.

شیوه ISM شیوه‌ای براساس ساختار تفسیری است که در آغاز به بازشناسی اسباب مؤثر و مبنایی می‌پردازد و بعد با بهره‌گیری از شیوه‌ای، همبستگی میان این اسباب و راه تحصیل پیشرفت به واسطه این اسباب ارائه می‌شود. روش ISM با مجزا ساختن معیارها در چند لایه مختلف به تحلیل ارتباط میان شاخص‌ها می‌پردازد. با بهره‌گیری از مدل‌سازی ساختار تفسیری می‌توان ارتباط میان چند شاخص که به شکل منفرد یا گروهی به همدیگر تعلق دارند را معین کرد (Kannan, and Kumar, 2009, pp28-36). با بهره‌گیری از روش ISM امکان تجزیه و تحلیل روابط میان ویژگی‌های متغیرهای تعریف شده برای یک مسئله فراهم می‌آید (Warfield, 1974: pp81-87). مدل‌سازی ساختاری - تفسیری یاور محقق است تا تشخیص ارتباطات درونی متغیرها و اولویت‌بندی و تحلیل اثر یک متغیر بر سایر متغیرها را ممکن سازد (آذر و بیات، ص ۸). از این رو بکارگیری آن در این تحقیق امکان اولویت‌بندی و تعیین سطح موقعیت‌های تقابلی و نیز تعیین موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی فراهم می‌آورد.

۳. دستاوردهای پژوهش

این تحقیق با کاربست سه ابزار «تحلیل مضمون»، «ISM» و «پارتو»، طی ۱۱ مرحله، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در حیطه ملی‌گرایی را استخراج، صورت‌بندی و واکاوی کرده است. فهرست مراحل یازده‌گانه مذکور به شرح زیر است (نک. پرکان، ۱۳۹۷، فصل سوم):

۱. استخراج موقعیت‌های تقابلی اولیه
۲. ویرایش و تهذیب موقعیت‌های تقابلی

۳. گروه‌بندی اولیه مفهومی موقعیت‌های تقابلی
 ۴. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری
 ۵. عملیات آماری بر روی شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی
 ۶. رتبه‌بندی و مقایسه داده‌های آماری شبکه ارتباطی موقعیت‌های تقابلی
 ۷. سطح‌بندی موقعیت‌های تقابلی مبتنی بر قاعده پارتو
 ۸. رتبه‌بندی و بررسی موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی
 ۹. استخراج یا انتخاب موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی
 ۱۰. سازمان‌دهی یا گروه‌بندی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی
 ۱۱. ترسیم و صورت‌بندی نهایی شبکه تعاملات
- شبکه تعاملات بر اساس رویارویی‌های اولیه (یا همان موقعیت‌های تقابلی)، مضامین اولیه (یا همان موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی)، مضامین اصلی (یا همان موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی) و مضامین سازمان‌دهنده (یا همان حوزه‌ها)، صورت‌بندی شده که عناوین آن در ادامه فهرست شده است.
۱. ملی‌گرایی
 - ۱.۱. میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر
 - ۱.۱.۱. تقویت هویت شیعی، هویت قومی یا هویت ملی؟
 - ا. ملی‌گرایی یا وحدت اسلامی
 - ب. وحدت هویت یا تکثر هویت؟
 - ب.۱- اجتماع یا اجتماعات
 - a. سنجش چندگانگی دموکراتیک به میزان حقوق اکثریت یا به ترازوی حقوق اقلیت‌ها
 - b. تقریب مذاهب یا تعایش مسالمت‌آمیز
 - * تقابل وحدت اسلامی و ارزش‌های شیعی
 - ج. تکثرگرایی یا یکسان‌سازی در مواجهه با قومیت‌ها
 - ج.۱- هویت قومی یا هویت محلی
 - ج.۲- آموزش زبان محلی یا نه

- ۲.۱.۱. ستایش یا عدم ستایش نیاکان خاکستری
ا. جمهوری اسلامی و نظام‌های پادشاهی
- ۲.۱. جهان شمول‌گرایی فرهنگی یا درون‌گرایی فرهنگی
- ۱.۲.۱. تقابل در توسعه فرهنگ بومی یا توسعه فرهنگ غیربومی
ا. عقلانیت جزءنگر در مقابل عقلانیت کل‌نگر
ب. موقعیت امیک یا اتیک در سیاستگذاری
ج. وجاهت بیرونی یا واقعیت درونی
د. میهمانان یا شهروندان
ه. فرهنگ شهری یا روستایی
۲. عرفی‌گرایی یا سکولاریزم
- ۱.۲. عقلانیت معطوف به هدف یا عقلانیت معطوف به ارزش‌ها
- ۱.۱.۲. اولویت معرفت یا معیشت؟
- ۲.۲. اقتصاد اسلامی یا سکولار
- ۳.۲. دنیاگرایی یا آخرت‌گرایی
- ۱.۳.۲. منشأ فرهنگ، افاضات ملکوتی است یا برساخت اجتماعی؟
ا. انطباق فرهنگ دینی و ملی، آری یا نه؟
- ۴.۲. یکی دانستن یا نداستن سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی مسلمانان
- ۵.۲. حکومت اسلامی یا حکومت مسلمانان
- ۱.۵.۲. فرهنگ سکولار و غیرسکولار
۳. دموکراتیزاسیون
- ۱.۳. امام - امت یا دولت - ملت
- ۲.۳. عاملیت خادمیت
- ۱.۲.۳. جهان‌شمولیت امر زیبا یا موقعیت محلی و پیش‌زمینه‌ای
- ۳.۳. دموکراتیزاسیون فرهنگ یا فرهنگ بالا به پایین
- ۱.۳.۳. حقوق شهروندی برمبنای حق طبیعی یا برمبنای فطری
- ۴.۳. تنوع فرهنگی یا تک فرهنگی

۴. توسعه‌گرایی و مدرنیزاسیون
 - ۱.۴. تکنوپولی یا حاکمیت فرهنگ بر ابزار
 - ۱.۱.۴. سنت و تجدد
 - أ. عناصر باستانی تمدن ایرانی، دستمایه نگاهی روشن‌تر و عمیق‌تر به آینده یا عامل خیال‌بافی‌های مخرب نسبت به گذشته
 - ۲.۱.۴. عقب‌ماندگی فرهنگی داریم یا نه؟
 - ۳.۱.۴. موضع فعال یا موضع انفعالی در مقابل فرهنگ غربی
 - ۲.۴. توسعه‌گرایانه یا شریعتمدارانه
 - ۱.۲.۴. معیار داوری ایران، آیا وضعیت غرب است؟
 - ۲.۲.۴. فرهنگ به مثابه ارزش فی نفسه توجیه‌کننده یا به مثابه ابزاری برای توسعه
 - ۳.۲.۴. توسعه غربی یا پیشرفت اسلامی
 - ۴.۲.۴. الگوی توسعه
 - ۳.۴. کاهش یا افزایش جمعیت
۵. خانواده‌گرایی
 - ۱.۵. کراهت یا وجاهت لذت‌گرایی جنسی
 - ۲.۵. اخلاق مراقبت یا اخلاق عدالت‌محور
 - ۱.۲.۵. مقیاس بازدهی زنان در چیست؟ اقتصاد، خانواده، حکومت جهانی
 - ۳.۵. تقابل در نگاه اجتماعی و فردی نسبت به حدود و ثغور امور جنسی
 - ۱.۳.۵. ترویج یا جلوگیری از ازدواج موقت
 - ۲.۳.۵. تک همسری یا چند همسری
 - ۴.۵. خانواده ایده‌آل اسلامی
۶. شریعتمداری
 - ۱.۶. رابطه همسازی اخلاق و فرهنگ یا رابطه آمرانه اخلاق و فرهنگ
 - ۱.۱.۶. میزان رابطه فرهنگ و نظام ارزشی
 - ۲.۶. حدود و ثغور شادی حقیقی و لهو و لعب

۱.۲.۶. توسعه موسیقی یا تحدید موسیقی

۳.۶. تقابل در اجباری یا غیراجباری بودن حجاب

۱.۳.۶. حکومت بر مبنای فقه یا علوم و معارف روز

۷. انقلابی‌گری

۱.۷. نهضت‌گرایی و نظام‌سازی

۱.۱.۷. خودمرکزینی یا پذیرش و درک دیگری

أ. تعامل با جهان یا گسترش نفوذ انقلاب اسلامی

در این تحقیق، در مجموع ۶۲ موقعیت تقابلی استخراج شده که ۲۰ مورد آن مستقیماً در زیرمجموعه ملی‌گرایی قرار گرفته و ۴۲ مورد آن در هفت قلمرو مرتبط با قلمرو ملی‌گرایی قرار گرفته است.

۴. واکاوی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در «قلمرو ملی‌گرایی»

قلمرو ملی‌گرایی در مجموع از ۱۱۳ رابطه با موقعیت‌های تقابلی برخوردار است که ۳۸ رابطه مربوط به موقعیت‌های تقابلی ذیل این قلمرو و ۷۵ رابطه مربوط به موقعیت‌های تقابلی موجود در زیرشاخه حوزه‌های دیگر است.

ملی‌گرایی، حوزه‌ای است که دو موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی، سه موقعیت پایه هرمنوتیکی و ۱۵ موقعیت تقابلی ذیل آن جای گرفته است که در ادامه به طریق اختصار تبیین می‌شود.

در اسناد بالادستی نظام، ملی‌گرایی در کنار وحدت اسلامی ارج نهاده شده است. به عنوان نمونه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی (مانند اصل سوم، یازدهم، یکصد و پنجاه و دوم، یکصد و پنجاه و چهارم) وحدت امت اسلامی و حمایت از مسلمانان در هرگوشه از جهان را مورد التفات قرار داده است (حسین جوان آراسته، ۱۳۸۸). همچنین تکیه بر مفاهیمی همچون «همبستگی ملی (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل دوم، بند ۶، قسمت ج)»، «وحدت ملی (همان، اصل بیست و ششم و یکصد)»، «تقویت کامل، بنیه دفاع ملی (همان، اصل سوم، بند یازده)»، «منافع ملی (همان، اصل یکصد و هفتاد و ششم)» و «حاکمیت ملی (همان)»

بدون تردید در راستای توجه به مفهوم ویژه «ملت» در فرهنگ سیاسی و حقوقی امروز می‌باشد. اصل پنجاه و ششم نیز بیانگر «حاکمیت ملی» با التفات به اراده تکوینی خداوند است (حسین جوان آراسته، ۱۳۸۸).

در این حوزه، در عمل به دلیل این که این مفهوم در لایه‌های بعدی، که به نوعی عملیاتی‌تر می‌شود، جاری و ساری نشده، امواج بلا تکلیفی‌ها، سیاست‌گذاران فرهنگی و عمومی را رنج می‌دهد. در ادامه به طریق اختصار دو موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی در قلمرو ملی‌گرایی و موقعیت‌های تقابلی زیرمجموعه آن تبیین می‌شود.

۴-۱. میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر

در بررسی روابط این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی با سایر موقعیت‌های تقابلی و موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، مشخص شد که مجموعاً ۳۴ رابطه با دیگر موقعیت‌های تقابلی دارد که پنج مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های قلمرو ملی‌گرایی است و ۲۹ مورد آن رابطه مستقیم این موقعیت‌ساز کلیدی است با سایر موقعیت‌های تقابلی که در زیرشاخه شش قلمرو دیگر قرار گرفته‌اند. ۱۵ رابطه از میان این ۲۹ رابطه، رابطه این موقعیت‌ساز هرمنوتیکی با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در شش قلمرو دیگر است. دو رابطه، مربوط به رابطه این موقعیت‌ساز کلیدی با موقعیت‌های تقابلی و ۱۲ مورد مربوط به موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی است.

سیاست فرهنگی ناگزیر است که با گذشته ارتباط و سروکار داشته باشد. به هر حال، منابع فرهنگی جامعه اگر به هزاران سال قبل مرتبط نباشد، صدها سال سابقه دارد و فعالیت‌های فرهنگی معاصر تا حدود زیادی از وقایع پیشین شکل گرفته است. این میراث تأثیر عمیقی بر عملیات امروزی دارد که بر اساس گذشته متکی است. ولی همیشه این خطر هست که نتوان به صواب، از واقعیاتی که منجر به پیدایش میراث‌ها شده آگاه شد. سیاست فرهنگی باید از افراط در عقیم‌سازی دوران گذشته دوری کند و سوابق تاریخی را به تنقلاتی برای مصرف توریست‌ها تبدیل نسازد بلکه باید بگذارد که منابع تاریخی زنده بمانند و در زمینه‌های امروزی، سخن بگویند (Matarasso and Landry, 1999, p38).

از آنجا که مدیریت و بهره‌برداری از منابع تاریخی سهل‌تر از پروراندن محیط‌های

فرهنگی و هنری معاصر است، از پرورش محیط‌های فرهنگی معاصر غفلت می‌شود. به علاوه ضرورت تعمیر و نگهداری ابنیه قدیمی، محیط‌ها و جوامع و سنن مردم اغلب بیش از پشتیبانی تأسیسات معاصر احساس می‌شود. اگر التفات و صرف منابع در راه پشتیبانی از فعالیت‌های پیشرو و مهم فرهنگی نباشد، خطر گسستگی بین سیاست‌های فرهنگی دولت و توسعه فرهنگی افزایش می‌یابد. چالش سیاست، یافتن اطمینان از استحکام کلی زنجیره فرهنگی است زیرا اگر حتی از یک حلقه غفلت شود، آثارش در تمام مجموعه احساس خواهد شد. فرهنگ، یک وجود زنده و تغییر یابنده و پیش‌رونده است و کارکرد سیاست فرهنگی این است که ویژگی‌های فوق‌الذکر را نگهداری کند (Ibid, p39).

در اسناد بالادستی از جمله سند اصول سیاست فرهنگی، برنامه‌های پنج ساله توسعه و...، تأکید فراوانی بر حفظ و احیاء میراث فرهنگی گذشته شده است. به عنوان مثال در سند اصول سیاست فرهنگی چنین آمده است: «بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی و هنری و فرهنگ عمومی» و «نگاهبانی از مآثر و موارث اسلامی و ملی و حفظ و احیاء دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلام در ایران».

مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد، عمده موارث ایران (اعم از موارث ملی، مذهبی، سنن تاریخی، علمی، ادبی، هنری و...) مربوط به تاریخ ۲۵۰۰ ساله پادشاهی است. برخی از مفاخر گذشته در سایه حکومت‌های پادشاهی توانسته‌اند اساساً شکل بگیرند و رشد کنند. لذا انقلاب اسلامی که عملاً یکی از شعارهایش جمهوریت و نیز پس‌زدن دیکتاتوری بوده، در پرداختن به موارث نمی‌توانسته فعال و اثربخش عمل کند. البته این ناتوانی به معنای نظری نیست، بلکه حاصل فشارهای روحی و روانی و هژمونی دیکتاتورستیزی بوده است. همچنین در لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری فرهنگی، چنین هوشمندی نبوده که به دنبال اصلاح فرهنگ سیاه و سفید دیدن دیکتاتوری‌ها باشد. چرا که در طول تاریخ، برخی از پادشاهان، خوبی‌ها یا وجوه مثبتی هم داشته‌اند. همچنین در مورد علماء و مفاخر نیز نمی‌توان ادعا کرد که همگی کاملاً سفید بوده‌اند. در میان آنان، برخی خاکستری بوده و اشکالاتی نیز داشته‌اند.

بر این اساس، همواره علی‌رغم تأکید اسناد بالادستی به حفظ و احیاء مواریث، در عمل به فرهنگ معاصر، از جمله دفاع مقدس، وقایع مختلف پس از انقلاب و مواردی از این دست پرداخته شده است. این روند به گونه‌ای پیش رفته است که گویی جمهوری اسلامی منقطع از تمام داشته‌های قبل از خود است. ذیل موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی «میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر»، دو موقعیت پایه هرمنوتیکی و در مجموع ۱۰ موقعیت تقابلی قرار گرفته است. در ادامه فهرست عناوین و توضیح اجمالی دو موقعیت پایه هرمنوتیکی و ۱۰ موقعیت تقابلی مذکور ارائه شده است.

جدول ۱: فهرست موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی و موقعیت‌های تقابلی زیرشاخه موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی «میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر»

ردیف	عنوان تقابل	توضیح
۱	تقویت هویت شیعی، هویت قومی یا هویت ملی؟	در نظام جمهوری اسلامی، سیاست‌های کلان بسیار خوبی در موضوع هویت ملی و قومی تدوین شده است و نگاه رهبران نظام نیز بر این بوده است که هویت اقوام در کنار هویت ملی بایستی نگهداری و تقویت شود، لیکن در مقام اجرا، این سیاست‌ها و نوع نگاه، به طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است و مجریان بر اساس برداشت‌های شخصی خود اقدام کرده و بعضاً اقداماتی کاملاً متضاد با این سیاست‌ها انجام شده است. همچنین افراط و تفریط در دو مؤلفه هویت دینی (تأکید بیش از اندازه بر عوامل اختصاصی هویت شیعه یا تأکید صرف بر نمادهای باستانی) باعث به هم خوردن توازن میان هویت ملی و قومی در دوره‌های مختلف شده است (مولائی آرانی، ۱۳۹۷، صص ۲۹۱-۲۹۲).
۲	ملی‌گرایی یا وحدت اسلامی	ملی‌گرایی و یا همان احساسات ناسیونالیستی از دیدگاه ملت‌های مختلف، تبعات مثبت و منفی با خود به دنبال داشته است. با وجود پیشینه قوی ملی‌گرایی در ایران، وجود عواملی چون؛ وقوع انقلاب اسلامی، رهبری مذهبی امام خمینی و برجسته بودن عامل مذهب و اسلام‌گرایی بعد از انقلاب اسلامی، سبب کم‌رنگ شدن کارکرد ملی‌گرایی در وجه منفی آن گردیده است. در نهایت فرض بر این است، که با وجود عدم تقابل صرف میان این دو جریان فکری و پذیرش ناسیونالیسم مثبت، متعادل و غیرافراطی؛ همچنین تأکید بر اصل وحدت امته‌ها به جای ملی‌گرایی در

ردیف	عنوان تقابل	توضیح
		اندیشه‌های اسلامی و اهمیت امت (که مطلوب جامعه اسلامی است)؛ از انترناسیونالیسم اسلامی به مثابه ایدئولوژی موافق با آموزه‌های اسلامی، استقبال می‌شود (شهرام‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷).
۳	وحدت هویت یا تکثر هویت؟	در موضوع هویت فرهنگی، پرسشی که پیش روی سیاست‌گذار است آنکه آیا هویت فرهنگی، موقعیتی واحد و یکپارچه است و یا متکثر و چند پاره و در هر یک از این دو حالت دارای چه خصوصیت‌ها و چه پیامدهایی است؟ (فکوهی، ۱۳۹۴، صص ۲۲۰-۲۲۳).
۴	اجتماع یا اجتماعات	ارتباط بین جوامع اقلیت و اکثریت منشاء اساسی‌ترین چالش‌های اجتماعی و سیاسی است (Matarasso, and Landry, 1999, p31). آیا آغوش گشودن به هویت‌های دیگر، و به خصوص هویت‌هایی که در فرهنگ‌های ملی و منطقه‌ای دیگر ریشه دارد، به عنوان طرد یکپارچگی به حساب آید یا نه؟.
۵	سنجش چندگانگی دموکراتیک به میزان حقوق اکثریت یا به تراوی حقوق اقلیت‌ها	آیا در توجه به رأی اکثریت در وجه جمهوریت نظام جمهوری اسلامی، به حقوق اقلیت هم احترام گذاشته می‌شود؟ یا به عبارت دیگر، آیا همه اقلیت‌ها حقوقشان محفوظ است؟
۶	تقریب مذاهب یا تعایش مسالمت‌آمیز	در اسناد بالادستی، تعایش مذهبی مطرح است ولی عملاً به تقریب مذاهب پرداخته شده است (مولانی آرانی، ۱۳۹۷، صص ۲۹۱-۲۹۲).
۷	تقابل وحدت اسلامی و ارزش‌های شیعی	برخی از ارزش‌های شیعی، در تضاد با وحدت اسلامی است. بدین منظور، علی‌رغم تأکیدات قانون اساسی و دیگر اسناد بالادستی و با توجه به این‌که مذهب رسمی، شیعه دوازده امامی است، هنوز سیاست‌های خاصی تدوین، ابلاغ و اجرا نشده و هر دولتی، متناسب با سلايق و علايق خود عمل می‌کند.
۸	تکثرگرایی یا یکسان‌سازی در مواجهه با قومیت‌ها	آیا می‌توان هر جغرافیا را یک ایالت یا یک قطب در نظر گرفت و همان‌طور که ایران در طول تاریخ به شکل فدرال اداره شده است، اکنون نیز به استثناء مسائل امنیتی، می‌توان این‌گونه عمل کرد؟.
۹	هویت قومی یا هویت محلی	ناخودآگاه هویت اقوام به هویت دینی و مذهبی تقلیل پیدا کرده است (همان).
۱۰	آموزش زبان محلی یا اهتمام به زبان	به منظور آموزش همگانی، انتقال داده‌های فرهنگی هنجارمند و یک‌دست، ایجاد حافظه «تاریخی» و ایجاد احساس «تعلق» ملی

ردیف	عنوان تقابل	توضیح
	فارسی	احتیاج به یک ابزار اصلی است که همان زبان میانجی ملی به شمار می‌آید. از نظر فرهنگ‌شناسان تضادی میان آموزش زبان‌های محلی، ملی و جهانی وجود ندارد (فکوهی، ۱۳۹۴، صص ۱۷۴-۱۷۷). مسئله در این است که علی‌رغم تأکید قانون اساسی، زبان اقوام فراموش شده است (مولائی آرانی، ۱۳۹۷، صص ۲۹۱-۲۹۲).
۱۱	ستایش یا عدم ستایش نیاکان خاکستری	توضیحات اصلی مربوطه در بخش مربوط به «میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر»، ارائه شد.
۱۲	جمهوری اسلامی و نظام‌های پادشاهی	توضیحات مربوطه در بخش مربوط به موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی «میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر»، ارائه شد.

۴-۲. جهان‌شمول‌گرایی فرهنگی یا درون‌گرایی فرهنگی

در بررسی روابط این موقعیت‌ساز کلیدی هرمنوتیکی با سایر موقعیت‌های تقابلی و موقعیت‌سازهای هرمنوتیکی، مشخص شد که مجموعاً ۱۵ رابطه با دیگر موقعیت‌های تقابلی دارد که دو مورد آن مربوط به زیرشاخه‌های قلمرو ملی‌گرایی است و ۱۳ مورد آن با سایر موقعیت‌های تقابلی که در زیرشاخه پنج قلمرو دیگر قرار گرفته‌اند. سه رابطه از میان ۱۳ رابطه مستقیم، رابطه با سایر موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی است و نه رابطه با موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی و یک رابطه با موقعیت تقابلی.

در مباحث فرهنگی، در قرن نوزده و ابتدای قرن بیستم، جدلی سخت میان «نسبی‌گرایان فرهنگی» یعنی گروهی از فرهنگ‌شناسان که معتقد به ویژه بودن فرهنگ هر جامعه‌ای برای خود آن جامعه بودند و به آن‌ها «خاص‌گرا» (particularist) می‌گفتند از یک طرف و «جهان‌شمول‌گرایان» (universalist) که برعکس معتقد به وجود «مشترکات» زیادی میان جوامع متنوع بشری بودند، وجود داشت. و این مباحث تا امروز به نوعی ادامه دارد. از همان زمان، نیز اولین استدلالی که خاص‌گرایان مطرح می‌کردند، مفهوم «اصالت» و «یگانگی» در پدیده فرهنگی بود، درحالی‌که جهان‌شمول‌گرایان برعکس، از «درهم آمیختگی فرهنگی» (cultural syncretism) و اصل «تقلید» به مثابه فرایند اصلی زایش فرهنگی سخن می‌گفتند (فکوهی، ۱۳۹۴، صص ۱۹-۲۳).

بنابراین تناقضی به وجود می‌آید که نشأت گرفته از احتیاج به جامعه بودن مبتنی بر «اصالت فرهنگی» از یک طرف، و احتیاج به شناخت عمیق فرهنگ مبتنی بر پیچیدگی فازی فرهنگی بر پایه اندماج از طرف دیگر است (همان).

در مقام سیاست‌گذاری، سؤالی که در رویکرد جهان‌شمول‌گرایی مطرح می‌شود این است که کدام یک از رویکردهای توسعه‌گرایانه یا شریعتمدارانه در تعامل با دنیا مورد نظر خواهد بود؟ در جهان‌شمول‌گرایی، رویکرد ملت‌گرایی اولویت دارد یا امت‌گرایی؟ آیا اساساً مسئله رفاه، در این گونه تحلیل‌ها موضوعیت دارد؟ مقام بلاد مستضعف و بلاد مستکبر در رویکرد جهان‌شمول‌گرایی کجاست؟ با توجه به کمبود منابع و وجود انواع و اقسام مشکلات در سطح ملی، چقدر و چه میزان می‌توان به جهانی شدن فکر کرد یا منابع ملی را صرف تعامل با دنیا و جذب آن‌ها به فرهنگ خود بشود؟ این سؤالات و ده‌ها سؤال از این دست، چالش‌هایی است که سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی، در طول سال‌های متمادی خصوصاً سال‌های اخیر با آن مواجه بوده و هستند.

آنچه که در مقام سیاست‌گذاری مهم است، نهادینه‌سازی این رویکرد در مجموعه عملیات و فرایندهای قلمرو فرهنگی و دیپلماسی کشور است و این مهم زمانی عملی است که ابهامات مطرح شده در این بخش، برطرف شود و یا این‌که سیاست‌گذار، موضع مشخصی را اتخاذ نماید.

ذیل «جهان‌شمول‌گرایی فرهنگی یا درون‌گرایی فرهنگی»، یک موقعیت پایه هرمنوتیکی و در مجموع پنج موقعیت تقابلی قرار گرفته است. در ادامه فهرست عناوین و توضیح اجمالی پنج موقعیت تقابلی مذکور ارائه شده است.

جدول ۲: فهرست موقعیت‌های پایه هرمنوتیکی و موقعیت‌های تقابلی زیرشاخه موقعیت‌ساز کلیدی

هرمنوتیکی «جهان‌شمول‌گرایی فرهنگی یا درون‌گرایی فرهنگی»

ردیف	عنوان تقابل	توضیح
۱	تقابل در توسعه فرهنگ بومی یا توسعه فرهنگ غیربومی (پایه)	در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، چه در قانون اساسی، چه در سند اصول سیاست فرهنگی، چه در برنامه‌های توسعه پنج ساله بر توسعه فرهنگ بومی تأکید دارند. من جمله سند اصول سیاست فرهنگی بر «مقابله با افراط در تجددطلبی و خودبستگی در برابر بیگانگان تحت شعار واقع‌گرایی» تأکیدات فراوانی رفته است. لیکن

توضیح	عنوان تقابل	ردیف
<p>مسئله در اینجا، اقدامات عملی دولت‌هاست که به راحتی حرکت عمومی فرهنگی و اقتصادی کشور را به سمت مدرنیزاسیون برده است. «با ورود مدرنیته به ایران اتفاقاتی افتاد که باعث زیر سؤال رفتن هویت فرهنگی گذشته بومی و خودی شده است» (محسنی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۷).</p>		
<p>مشکل عمده سیستم پارلمانی یا دموکراتیک، جزء جزء کردن برنامه‌ها به جهت دست یافتن به توافق است. هیچ‌گاه حاصل این توافقات یک برنامه منسجم و هماهنگ نمی‌شود. در واقع عقلانیت جزء نگر، کلیدی‌ترین نقطه اتکای مدیریت مدرن می‌باشد. ماکس وبر، «عقلانیت» را مهم‌ترین ویژگی جامعه مدرن معرفی نموده است و عقلانیت مورد نظر او، عقلانیت ابزاری است (فروند، ۱۳۳۸، ص ۲۱۴). لازم به ذکر است در عقلانیت ابزاری، بیشتر از عقل جزئی استفاده می‌شود (پارسانیا، ۱۳۹۵، ص ۹۹).</p> <p>مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که مفاد برنامه‌های توسعه پنج ساله و نیز کدینگ قانون بودجه سالیانه کشور، جزء جزء تفکیک شده و چندان ارتباط معنادار یا کل به هم پیوسته‌ای را نمی‌توان از آن برداشت کرد. نکته جالب این است که این کدینگ، چندین سال است که همواره تکرار می‌شود و تغییرات چندانی ندارد (نک. قوانین بودجه سالیانه جمهوری اسلامی ایران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور).</p>	<p>عقلانیت جزء نگر در مقابل عقلانیت کل نگر</p>	<p>۲</p>
<p>سیاست‌گذاری فرهنگی به شکل امیک، به درون‌کاوی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های سیاست‌گذارانه یک فرهنگ یا یک خرده‌فرهنگ در بستر یک جامعه ویژه، بدون مقایسه با سایر فرهنگ‌ها اختصاص دارد. به بیان روشن‌تر، مطالعه امیک، بر مطالعه عناصر اختصاصی یک فرهنگ، که قاعدتاً در چرخه تعاملات گوناگون داخلی جریان دارند، اطلاق می‌شود. سیاست‌گذاری فرهنگی به شکل اتیک، به دیدگاه بیرونی یا نگاه مقایسه‌ای به واقعیات فرهنگی و مطالعه مقایسه‌ای دو یا چند عرصه فرهنگی و یافتن مشترکات آن‌ها معطوف است. بخش اعظمی از مطالعات اتیک، بازتاب فلسفه «جهان‌شمول‌گرایی فرهنگی» است و هدف اصلی آن تعیین متغیرهای درون فرهنگی پدیده‌های سیاست‌گذارانه در ابعاد جهانی است (شرف‌الدین، ۱۳۸۸).</p>	<p>موقعیت امیک یا اتیک در سیاست‌گذاری</p>	<p>۳</p>

ردیف	عنوان تقابل	توضیح
۴	وجاهت بیرونی یا واقعیت درونی	مسئله‌ای که در اینجا لازم به ذکر است اینکه در اسناد بالادستی‌ای مثل اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تأکید بر ارائه واقعیات درونی به جهانیان است ولی در اسنادی مثل برنامه چهارم توسعه، تأکیدات، عمدتاً گرایش بر وجاهت بیرونی دارد (نک. برنامه چهارم توسعه، ماده ۱۱۰).
۵	میهمانان یا شهروندان	توریسم فرهنگی به دلایل اقتصادی و اجتماعی دارای اهمیت بوده و رو به رشد است. با التفات به ارزش توریسم، همیشه این وسوسه هست که فرهنگ بومی چنان مدیریت شود تا نیازهای توریست‌ها برآورده شود. لیکن اهالی بومی این گرایش را به زیان خود می‌بینند و در نتیجه این امر به حسن روابط بومیان و میهمانان ضربه می‌زند و در دراز مدت، قابل دوام نخواهد بود (Matarasso and Landry, 1999, pp40-41).
۶	فرهنگ شهری یا روستایی	شیوه‌های زندگی شهری بیشتر از آنکه نوعی سیستم ارزشی و روابط اخلاقی باشند، شیوه‌هایی هستند که با سیستم‌های جدید اجتماعی و انقلاب صنعتی ظاهر می‌شوند. نمی‌توان انتظار داشت که با اتکاء به عزم و یا زور بتوان اصول اساسی آن‌ها را تغییر داد. این اصول در جوامع جهانی شده امروز بیش از دو راهکار اساسی را در مقابل انسان‌ها نمی‌گذارد: از یک طرف پذیرش و اجرای قرارداد اجتماعی دموکراتیک و نسبتاً آزاد و شفاف، و از طرف دیگر حرکت به سمت نظام‌های خشونت‌آمیز و مواجه کردن خود با خطر نابودی (فکوهی، ۱۳۹۴، صص ۲۰۹-۲۱۲).

در پایان توجه به این نکته حائز اهمیت است که دیدگاه حاکم بر این تحقیق، سیاست‌گذارانه بوده و تنها مقید به ابعاد نظری و اسنادی نشده است. از این رو علی‌رغم این‌که موضع بالادستی در بعضی از پیوستارها، هم از جنبه نظری و هم از جنبه اسنادی مبرهن است، ولی در پروسه جامع سیاست‌گذاری، هرآنچه در عمل پدیدار می‌شود، با مواضع تئوریک و اسنادی سیاست‌گذار، متعارض است. در ضمن در مواردی، مزاد بر وجود تعارض اجرایی، بی‌ثباتی در مواضع وجود دارد که مخاطره آن، افزون از آسیب قبلی است.

جمع‌بندی

ناهماهنگی سیاست‌گذار و مجریان در تفسیر سیاست‌ها با توجه به تبعات مستمر و

دنباله‌دار آن، در موقع ادراک و در موقع اجرا، در اهدافی که یک سیاست منوط به آن است، آسیب‌های فراوانی با خود دارد. به عبارت دیگر سیاست‌گذار در موقعیت هرمنوتیکی خود مسائل فرهنگی را فهم می‌نماید و به جهت رفع آن تلاش می‌کند.

اصلاح و بهبود جامعه مشروط به هم‌آوایی و یکپارچگی سیاست‌گذاران با همدیگر و مجریان سیاست‌ها با یکدیگر و در تفسیر سیاست‌ها است. چنانچه جامعه‌ای از ادراک مسائل و مشکلات خویش باز ماند و یا به وقت ادراک، قوت یا تاب تبیین مسئله را در قالب یک موضع روشن و هم‌نوا نداشته باشد، سرنوشتی جز افول و طی طریق در بیراهه چالش‌ها و کورراه‌ها و بازماندن از نوآوری‌ها و آفرینش‌ها ندارد.

در این نوشتار با استفاده از روش تحلیل مضمون، ابتدا موقعیت‌های تقابلی در قلمرو ملی‌گرایی، مبتنی بر منابعی مانند: ۲۱ دوره‌ای سیاست فرهنگی شورای اروپا، اسناد بالادستی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، گفته‌ها و نظرات صاحب‌نظران و رهبران نظام، برنامه‌ها و رویکردهای عملیاتی (مانند برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و قوانین بودجه کشور)، گفتمان‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و الگوهای سیاست‌گذاری استخراج و طی ۱۱ مرحله و نیز با بهره‌گیری از روش ISM، موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در حوزه ملی‌گرایی شامل: «میراث فرهنگی یا فرهنگ معاصر» و «جهان‌شمول‌گرایی فرهنگی یا درون‌گرایی فرهنگی» مشخص و تبیین شد. در پایان مهم‌ترین چالش‌های هرمنوتیکی قلمرو ملی‌گرایی مبتنی بر روابط موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی واکاوی شد.

سعی مؤثر و درخور سیاست‌گذار فرهنگی در پروسه تدوین سیاست، بستگی به تعیین مواضع روشن، پایا و یکپارچه در پیوستارها و رویارویی‌ها، به ویژه موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی دارد. هرچند این سیاست‌ها بایستی در یک پروسه اجرایی و نه به شکل خطی تدبیر و اجرا شود اما بدو مستلزم تعیین موضع نظام سیاست‌گذاری، چه در اجرا و چه در تدوین، نسبت به اطراف پیوستارها ملتفت به اولویت‌های مذکور است. ازاین‌رو، بایستی تولید محتوا و معرفت و بعد از آن کادرسازی و در خاتمه سازماندهی صورت پذیرد. بی‌شک، روش تولید و تبیین محتوا و نیز کادرسازی، متأثر از سازماندهی مناسب است، لیکن در فقدان معرفت، کفایت

تخصص و تناسب نیرو، سازماندهی غیر از اتلاف منابع و عمر اثری نخواهد نداشت. این تحقیق، اقدامی اولین و ناچیز در بازشناسی موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی در قلمرو ملی‌گرایی بود. به جهت استكمال این راه، پیشنهاد می‌شود در اولویت‌بندی‌ها، بی‌التفات به این‌که سندی تولید بشود یا تقسیم کاری انجام گردد، دستگاه‌های فرهنگی و نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی این موضوع را در اولویت و دستور کار قرار داده و نسبت به رفع چالش‌های هرمنوتیکی و سوگیری شفاف و متحد مبادرت نمایند. مبرهن است ارتفاع کثیری از مسائل، علاوه بر روشن‌سازی نظری و سندی، محتاج طراحی و استقرار پروسه کامل سیاست‌گذاری نیز می‌باشد.

کتابنامه

- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳). درآمدی بر نظریه فرهنگی (حسن پویان، مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه‌شناسان.
- آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷). طراحی مدل فرآیند محوری کسب و کار با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM). فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت فناوری اطلاعات، دوره اول، (۱)، ۳-۱۸.
- بهادری، افسانه (۱۳۷۶). درآمدی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۵). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی، (ویرایش دوم)، قم: نشر کتاب فردا.
- پارسونز، واین (۱۳۸۵). مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، (جلد اول)، حمیدرضا ملک محمدی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۹۰). فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر قطره.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). رویکرد ماتریسی در برنامه‌ریزی فرهنگی، در مجموعه مقالات همایش ماتریس فرهنگی: مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، جلد اول، تهران: انتشارات تیس، ۱۳۷-۱۹۸.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۵). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی، (چاپ اول)، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- دانایی‌فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۷). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: صفار.
- ریکور، پل (۱۳۹۳). درباره ترجمه، (مدیا کاشیگر، مترجم)، تهران: نشر افق.
- سرل، جان، آر. (۱۳۸۲). ذهن، مغز و علم، (امیر دیوانی، مترجم). (چاپ اول)، قم: بوستان کتاب.

- شافریتز، جی. ام و کریستوفر پی. بریک (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، (حمیدرضا ملک‌محمدی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۸). ارتباطات میان‌فرهنگی، نشریه معرفت، شماره ۱۳۹.
- شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۹۲). تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست ۲، شماره ۵، ۱۹۷-۲۱۷.
- صالحی امیری، سیدرضا و الهه حیدری‌زاده (۱۳۸۹). ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی در برنامه‌های توسعه: مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۲). تبیین چالش‌های فراروی سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ. تهران: مجموعه مقالات همایش سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، مرکز بازشناسی اسلام و ایران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۸۹-۱۰۱.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۵۱-۱۹۸.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی: طرحی برای یک الگوی جانشین. مرکز بازشناسی اسلام و ایران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فروند، ژولین (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی ماکس وبر، (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). تهران: رایزن.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۴). صد و یک پرسش از فرهنگ: کتاب انسان شناخت (اول). تهران: انتشارات تیسرا.
- فیروزجانیان، علی اصغر؛ مجتبی فیروزجانیان؛ سیدحمید هاشمی پطرودی و فاطمه غلامرضازاده (۱۳۹۲). کاربرد تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) در مطالعات گردشگری: تحلیلی با رویکرد آسیب‌شناسانه. مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، دوره دوم، شماره ۶، ۱۲۹-۱۵۹.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹). تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- کاوسی، اسماعیل و فرزانه چاوش‌باشی (۱۳۸۹). دولت و برنامه‌ریزی فرهنگی، مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- کچونیان، حسین (۱۳۹۰). هویت ما، قم: کتاب فردا.
- کرباسیان، مهدی؛ خوبشانی، اعظم؛ جوانمردی، محمد و زنجیرچی، سید محمود (۱۳۹۰). کاربرد مدل (ISM) جهت سطح‌بندی شاخص‌های انتخاب تأمین‌کنندگان چابک و رتبه‌بندی تأمین‌کنندگان با استفاده از روش TOPSIS-AHP فازی، مجله علمی-پژوهشی مدیریت تولید و عملیات، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۵-۱۰۷.
- گویگان، جیم مک (۱۳۸۸). بازانديشی در سیاست فرهنگی، (نعمت‌الله فاضلی، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

مولایی، مهدی (۱۳۹۷). مناسبات اقوام و مذاهب در جمهوری اسلامی ایران، در محمدرضا بهمنی، عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۷۰-۲۲۳.

واعظی، احمد (۱۳۹۳). درآمدی بر هرمنوتیک. (چاپ هفتم)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ----- (۱۳۹۲). نظریه تفسیر متن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

الوانی، سید مهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۶). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

هاولت، مایکل، ام پرل رامش و آنتونی پرل (۱۳۹۴). مطالعه خط‌مشی عمومی، (عباس منوریان و ابراهیم گلشن، مترجم). تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

Boyatzis, Richard E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*. Sage Publications.

Braun, Virginia & Victoria Clarke, (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), pp. 77-101". available online at:

Cochran, Charles L. and Eloise F. Malone. (2005) *Public policy: Perspectives and choices*. 3. ed. Boulder, Colorado: Lynne Rienner.

Dye, Thomas R. (2013). *Understanding public policy*. 14 ed., internat. ed. Boston, Mass. [u.a.]: Pearson.

Gadamer, Hans-Georg. (2004). *Truth and Method (Continuum Impacts)*. 1st ed. Continuum.

Grosby, Steven Elliott (2005). *Nationalism. A very short introduction / Steven Grosby*. Oxford: Oxford University Press.

<http://www.informaworld.com/smpp/content~db=all~content=a795127197~frm=titlelink>.

Kannan, G., Pokharel, Sh. & Sasi Kumar, P. (2009). A hybrid approach using ISM and fuzzy TOPSIS for the selection of reverse logistics provider, *Resources, Conservation and Recycling*, 54(1), 28-36.

KEDOURiE, Elie. (1960). *Nationalism*, London, Hutchinson.

Matarasso, François and Charles Landry. (1999). *Balancing act: twenty-one strategic dilemmas in cultural policy*. vols4. Belgium: Council of Europe Publishing.

Mayers, James and Stephen Bass, eds. (2004). *Policy that works for forests and people: Real prospects for governance and livelihoods*. Sterling, VA: Earthscan.

Medawar, Peter B. (2013). *Induction and Intuition in Scientific Thought*. Taylor & Francis.

Palmer, Richard E. (2000). *Hermeneutics: Interpretation theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer*. [Reprinted 2000]. Northwestern University studies in phenomenology & existential philosophy. Evanston [Ill.]: Northwestern University Press.

- Shafritz, Jay M. and Christopher P. (2008). Borick. Introducing public policy. New York [u.a.]: Pearson Longman.
- Smith, Anthony D. (1992). National identity. London: Penguin.
- Smith, Anthony D. (1998). Nationalism and modernism. A critical survey of recent theories of nations and nationalism / Anthony D. Smith. London: Routledge.
- Warfield, John, N.(1974). «Developing Interconnection Matrices in Structural Modeling». IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics SMC-4, no.1, 1974: 81-87. doi:10.1109/TSMC.1974.5408524.

